



سلسلہ کتاب ہما  
دورہ آموزہ پانچ  
ویژہ ائمہ جماعت

# اقرأت احسن آموزش قراأت صحیح قرآن و نماز





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سلسله کتاب‌ها  
دوره آموزش پایه  
ویژه اعمه جماعت



نویسنده: شیخ علی حبیبی  
تهیه و تنظیم: مرکز رسیدگی به امور مساجد  
انتشار: چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۷  
طراح جلد و مدیر هنری: محسن هادی

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه  
جنوبی، نبش کوچه عطار د. پلاک ۵.  
کد پستی: ۱۳۱۶۷۱۳۴۹۹  
تلفن: ۶۶۴۹۷۰۲۷  
[www.masjed.ir](http://www.masjed.ir)



« فهرست

|    |                              |
|----|------------------------------|
| ۱۳ | قُرَّائَتِ قرآن بالحنِ عربی  |
| ۱۴ | الحنِ عربی حرکات و حروف مدّی |
| ۱۸ | اعضای مهم دستگاه تکلم        |
| ۳۸ | اهمّیت وقف و ابتدا           |
| ۴۲ | مُحَسَّنَاتِ قُرَّائَتِ      |







## « دیباچه

در طلوعه چهل سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی و بعد از چهار دهه تلاش و مجاهدت در عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، فکر و کلام رسا و راسخ امام راحل به گوش می رسد که: «مسجد محلی است که از آن باید امور اداره شود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت مادرست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. اینطور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است.»<sup>۱</sup>

در تمام این سالها، فعالیت های شایان توجهی در بسیاری از نهادها و سازمان های متولی در حوزه مسجد صورت گرفته است. اما دانش تخصصی مدیریت مسجد و تدوین نظریات و تجربیات مرتبط با آن، در این دوره، امری مغفول و فراموش شده بود که در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی و عطف به فرمایش امام عزیز رحمته الله علیه که پیروزی ما برای اداره مسجد است، بر آن شدیم،



داشته های خود را در مرکز رسیدگی به امور مساجد که به تعبیر مقام معظم رهبری، به عنوان «مرکز و مرجع مقبول، آگاه و نافذالکلمه ای در امر مساجد»<sup>۱</sup> محسوب می شود، در حوزه های مطالعاتی، برنامه ای و عملیاتی تجمیع و تدوین نموده و به محضر صاحب نظران، دست اندر کاران و کارگزاران عرصه مسجد تقدیم نماییم.

امید است ضمن مطالعه و بهره مندی از این مجموعه، با ارائه نظرات و پیشنهادات خود، در تکمیل هر چه بهتر و کیفی محصولات در حوزه مدیریت مسجد، سهیم باشید. فراموش نکنیم «چنانچه مساجد کیفیت شایسته خود را بیابد، هزینه های مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه، مردم و مسئولان برداشته خواهد شد»<sup>۲</sup>.

مرکز رسیدگی به امور مساجد

<sup>۱</sup>. ابلاغیه ی رهبر معظم انقلاب به آیت الله مهدوی کنی برای تاسیس مرکز

<sup>۲</sup>. رهبر معظم انقلاب - ۱۳۹۰/۷/۱۹

## « پیش‌گفتار

إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا

همانا نماز، به عنوان فریضه‌ای واجب، در اوقات مختلف شبانه‌روز، بر مؤمنان قرار داده شده است.<sup>۱</sup>

نماز یکی از واجباتِ ضروریِ دین اسلام می‌باشد و بر هر زن و مرد مسلمانی که به سنّ تکلیف می‌رسند، واجب است در هر شبانه‌روز، هفده رکعت (در پنج وقت مُعین) نماز بگذارند.

## « اهمیت و جایگاه نماز در اسلام

در اَهَمِّیَّت «نماز» همین بس که پیامبر گرامی اسلام ﷺ آن را «پایه و اساس دین اسلام» قرار داده «إِنَّ عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ» و فرموده‌اند: «اولین عملی که (در روز قیامت) مورد محاسبه قرار می‌گیرد، نماز است، اگر (صحیح و) مورد

<sup>۱</sup> نساء/۱۰۳



قبول واقع شود، سایر اعمال نیز مورد قبول قرار می گیرد و اگر باز گردانده شود (و مورد قبول واقع نشود)، سایر اعمال نیز باز گردانده خواهد شد (و مورد قبول قرار نخواهد گرفت)»<sup>۱</sup>.

## « لزوم یادگیری و قرائت نماز به زبان عربی

«قرائت حمد و سوره و سایر اجزای نماز، باید به صورت عربی صحیح ادا شوند و افرادی که قرائتشان صحیح نمی باشد، بر آنها واجب است که قرائت صحیح را یاد بگیرند».

«هنگام قرائت نماز باید حروف از مخارجشان ادا گردند (و از یکدیگر تمیز داده شوند) در غیر این صورت، نماز باطل است.

بر اساس فتوای همه مراجع بزرگوار تقلید، بر همه مسلمانان واجب است که نماز را به زبان عربی صحیح بخوانند و اگر در تلفظ کلمات نماز، مشکلی دارند، شرعاً بر آنها واجب است که به اصلاح قرائت خود بپردازند»<sup>۲</sup>.

## « فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ<sup>۳</sup>

همه فقهاء و مفسرین (شیعه و سنی) اتفاق نظر دارند که این آیه شریفه، دلالت بر وجوب قرائت قرآن در نمازهای روزانه دارد.

امام رضا علیه السلام: «علت وجوب قرائت قرآن در نماز» را این گونه می فرماید:

«برای این که قرآن، مهجور و ضایع نگردد و باید حفظ و به صورت درس درس خوانده شود و نابود و فراموش نگردد» (من لایحضره الفقیه ۱/ ۲۰۳)

«قرآن»، قانون اساسی و کتاب زندگی مسلمانان است، از این رو بر هر مکلفی

<sup>۱</sup> وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳ و ۲۲، حدیث ۱۳ و ۱۰.

<sup>۲</sup> عروه الوثقی، کتاب الصلاه، مسأله ۳۲ و ۳۷؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۹، ص ۳۹۸.

<sup>۳</sup> مزمّل/ ۲۰؛ (پس آنچه برای شما آسان و امکان پذیر است از قرآن بخوانید).

واجب است برای آگاهی بر اصول و فروع دین و همچنین حفظ قرآن و رساندن آن به نسل‌های آینده به تلاوت قرآن در نمازهای روزانه بپردازد.

## « شیوه قرائت قرآن کریم

یکی از اذکار واجب نماز «قرائت حمد و سوره» می‌باشد و این قرائت باید به صورت «ترتیل» باشد وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا<sup>۱</sup>.  
گویاترین تفسیر از معنای «ترتیل» در فرمایشش امیرمؤمنان حضرت علی ابن ابی طالب (علیه السلام) آمده است: «الَّتَرْتِيلُ حِفْظُ الْوُقُوفِ وَبَيَانُ الْحُرُوفِ»<sup>۲</sup>  
علمای قرائت برای تحقق فرمایش آن حضرت، برای بیان الحروف «علم تجوید» و حفظ الوقوف «علم وقف وابتدا» را وضع نمودند.  
سعی ما «بررسی و آموزش قواعد تجوید و وقف وابتدا در قرائت قرآن و نماز»، براساس فتوای مراجع بزرگوار تقلید می‌باشد.

## « تعریف تجوید

«تجوید»، در لغت: «تحسین و نیکوسازی»؛ و در اصطلاح قرائت: «إِخْرَاجُ كُلِّ حَرْفٍ مِنْ مَخْرَجِهِ مَعَ إِعْطَائِهِ حَقَّهُ وَ مُسْتَحَقَّهُ»  
تلفظ هر حرفی است از مخرج آن، با در نظر گرفتن و رعایت حق حرف (صفات ذاتی و ممیزه که لازمه حرف است و باعث تمیز دادن حروف از یکدیگر می‌شوند) و مُسْتَحَقَّ حرف (صفات عارضی و مُحَسِّنَه که بر اثر ترکیب حروف، عارض می‌شود و باعث روان و فصیح ادا شدن کلمات و آیات قرآن کریم می‌گردند).  
موضوع تجوید: «صحیح خوانی قرآن کریم از نظر مخارج و صفات می‌باشد».

<sup>۱</sup> مَزَمَل / ۲۰؛

<sup>۲</sup> تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۵ و بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۳۲۳، «اداء الحروف» نقل شده است.



## « حکم شرعی رعایت قواعد تجوید

همه فقهای شیعه و مراجع بزرگوار تقلید، در این مسأله اتفاق نظر دارند: «ادای حروف از مخارج آنها به طوری که در عرف عرب، آن را ادای آن حرف بدانند نه حرف دیگر، و همچنین رعایت صفاتی که در طبیعت حروف نهفته است و باعث تمیز دادن یکدیگر می شوند، بر همه افراد واجب است»<sup>۱</sup>.

که شامل تلفظ حرف از مخرج آن، همراه با صفات ذاتی و مُمیزه است (که در طبیعت حروف نهفته و باعث تمیز دادن حروف از یکدیگر می شوند)؛ اما رعایت صفات عارضی و مُحَسِّنَه (که هنگام ترکیب حروف، عارض می گردد و باعث روان و نیکو ادا شدن کلمات و آیات قرآن کریم می شود)، مستحب می باشد.<sup>۲</sup>

۱. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۹، ص ۳۹۸ و عروه الوثقی، کتاب الصلاة، احکام القراءه، مسأله ۳۷ و ۵۳.

۲. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۹، ص ۳۹۸ و عروه الوثقی، کتاب الصلاة، احکام القراءه، مسأله ۳۷ و ۵۳.

## « قرائت قرآن بالحن عربی

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ<sup>۱</sup>

«ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که (در آن) اندیشه کنید».

قرآن کریم به زبان عربی است و در روایات سفارش شده که «قرآن را به صورت عربی آن فرا گرفته و بالحن عربی بخوانید و آن را با صدای خود زینت دهید چرا که صوت نیکو بر زیبایی قرآن می افزاید».

عن رسول الله ﷺ: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ بِعَرَبِيَّتِهِ».

«قَرُّوا الْقُرْآنَ بِالْحَنِّ الْعَرَبِيِّ وَأَصْوَاتِهَا ...».

«حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ، فَإِنَّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا»<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup>.سوره یوسف، آیه ۲

<sup>۲</sup>.بحار الانوار، ۹۲، ص ۲۱۱، ح ۶ و اصول کافی، ۲، ص ۶۱۴، ح ۳ و وسائل الشیعه، ۴، ۸۵۹.

## « لحن عربی حرکات و حروف مدّی

در زبان عرب، به صداهای کوتاه (ـَ، ـِ، ـُ)، «حرکات» و به صداهای کشیده (ـَـ، ـِـ، ـُـ)، «حروف مدّی» می‌گویند. صداهای کشیده (حروف مدّی) در زبان عربی، همان صداهای کوتاه (حرکات) می‌باشند اما با دو برابر مدّ و کشش بیشتر. لحن عربی صدای فتحه، یاء و واو مدّی با فارسی یکسان است، تنها تفاوت مختصری در لحن عربی صدای کسره، ضمه و الف مدّی وجود دارد که به بررسی آنها می‌پردازیم.

## « لحن عربی کسره —

«صدای کسره عربی» متمایل به «حرف یاء» می‌باشد (شبیه صدای «ای» اما بدون کشش)، مانند صدای کسره در کلمات «بیابان، خیابان، نیاز»؛ (ای بدون کشش) کلمات زیر را با لحن عربی بخوانید.

اِبِلْ - مَلِكْ - فِی دِینْ - لَمْ یَلِدْ - بِسْمِ - فِیهِ  
تَرْمِیْهِمْ - لِرَبِّكَ - مِنْ الْجَنَّةِ - مِنْ شَرِّ - بِالَّذِینِ

### « لحن عربی ضمه —

«صدای ضمه عربی» متمایل به «حرف واو» می‌باشد. (شبیه صدای «او» اما بدون کشش)، مانند صدای ضمه در کلمات «خُروس، هُلو، بُلوک»؛ (او بدون کشش<sup>۱</sup>)، کلمات زیر را با لحن عربی بخوانید:

رُسُلْ - رَسُولٌ - قُلْ هُوَ - یَدْخُلْ - یَدْخُلُونَ  
یَشْهَدُ - یَشْهَدُونَ - اقُومْ - کُفُوا - مُسْتَقِیمَ

### « صدای کشیده فتحه (الف مدّی) —ا

«صدای کشیده فتحه» (الف مدّی)، همان «صدای فتحه است اما با دو برابر مدّ و کشش»؛ (تَبَادُو برابر کشش صدای فتحه تَا).

نکته مهم: با توجه به سفارش قرآن که فرموده است: «قرآن را شمرده و با دقت بخوانید»<sup>۱</sup>، و روایاتی که: «شیوه قرآن پیامبر را شمرده و با رعایت کشش حروف مدّی» بیان کرده‌اند؛<sup>۲</sup> بر ما لازم است که صداهای کشیده را با دو برابر مدّ و کشش ادا کنیم تا صداهای کشیده از صداهای کوتاه تمیز داده شوند.  
صدای «الف مدّی» تابع حرف قبل می‌باشد که به بررسی آن می‌پردازیم.

۱. مَزْمَل/ ۴

۲. مجمع البیان، ۵، ۳۷۸



## « لحن عربی صدای کشیده فتحه (الف مدّی)

هنگام تلفظ هفت حرف «خ، ص، ض، ط، ظ، غ، ق» و «راء مفتوح»، صدای آنها به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت «درشت و پر حجم» ادای می‌شوند، صدای الف مدّی بعد از آنها نیز به طرف کام بالا کشیده شده و درشت و پر حجم تلفظ می‌گردد؛ مانند:

خَالِدِينَ - صَادِقُ - ضَالِّينَ - طَافَ - ظَالِمٌ - غَاسِقٍ - قَامَتْ - رَاحِمٌ  
اما هنگام تلفظ «بقیه حروف»، صدای آنها به طرف کام پایین کشیده شده و به صورت «نازک و کم حجم» ادای می‌شوند، صدای الف مدّی بعد از آنها نیز به طرف کام پایین کشیده شده و نازک و کم حجم تلفظ می‌گردد؛ مانند:

ءَابَاءٌ - مَالِكٌ - رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا - وَ السَّمَاءِ وَ مَا بَنَهَا - السَّلَامُ

## « تلفظ عربی لام جلاله «الله»

حرف «لام» در زبان عربی به صورت «نازک» خوانده می‌شود، در نتیجه «الف مدّی» بعد از آن نیز به صورت «نازک» خوانده می‌شود؛ مانند:

لَا إِلَهَ - مَلَائِكُهُ - السَّلَامُ - بِسْمِ اللَّهِ - فِي دِينِ اللَّهِ  
اما «لام» جلاله «الله» اگر «قبلش مفتوح و یا مضموم» باشد، به صورت «درشت و پر حجم» خوانده می‌شود و «الف مدّی» بعد از آن نیز «درشت و پر حجم» خوانده می‌شود، مانند:

اللَّهُ أَكْبَرُ - هُوَ اللَّهُ - اَللَّهُمَّ - مِنْ اللَّهِ - نَارُ اللَّهِ

## « توجه به یک مسأله شرعی

شهید ثانی رحمته الله در شرح «رساله نَفَلِیَّه» شهید اول رحمته الله می فرماید:

«مِلاک در صحت اذکار نماز، تلفظ کلمات است نه قصد گوینده»

در تکبیره الاحرام «اللَّهُ أَكْبَرُ»، اگر فتحه همزه «اللَّهُ» بامدّ و کشش «ءَ اللَّهُ» خوانده شود؛ و یا الف مدّی لام «اللَّهُ» آورده نشود «اللَّهُ»؛ و یا فتحه باء «أكبر» بامدّ و کشش، «أكبار» خوانده شود، باعث بطلان نماز خواهد شد.<sup>۱</sup>

«ءَ اللَّهُ أَكْبَرُ» جمله استفهامیه است، یعنی: «آیا خداوند بزرگتر است؟»؛ «اللَّهُ» به معنای «ابزار جنگی» می باشد؛ «أكبار» جمع کُبر، به معنای «طَبَل» است.

## « آشنایی با تلفظ صحیح حروف عربی

همانگونه که می دانید، بسیاری از حروف عربی به همان شکل فارسی تلفظ می شوند و نیازی به آموزش و تمرین ندارند، تنها ده حرف «ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، و» است که در عربی تلفظ آنها با فارسی تفاوت دارند، جهت یادگیری بهتر، نخست آنها را با حروف مشابه فارسی، مقایسه نموده و سپس به تمرین روی کلمات قرآن و اذکار نماز می پردازیم.

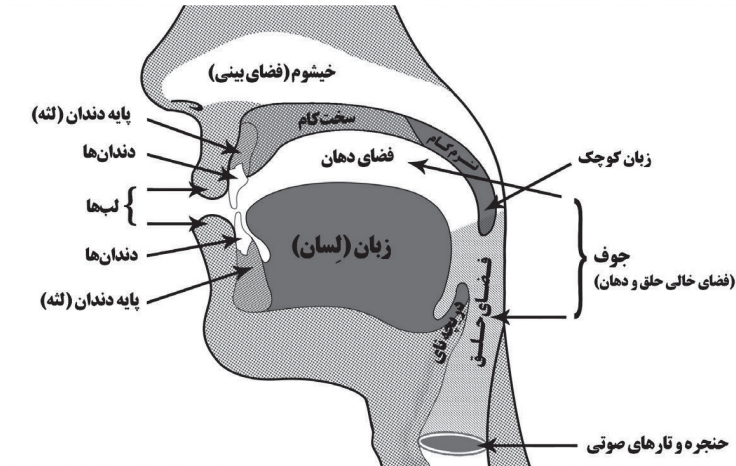
### یادسپاری:

- در بعضی از مناطق ایران این تعداد حروف کمتر و یا بیشتر می باشد.

<sup>۱</sup> العروه الوثقی، فصل فی تکبیره الاحرام

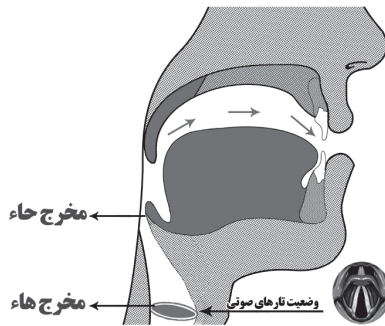
## « اعضای مهم دستگاه تکلم »

یادگیری و رعایت تلفظ صحیح حروف، مبتنی بر شناخت مخارج آنها می باشد؛  
از همین رو لازم است نخست با اعضای دستگاه تکلم آشنا شویم.



## « تفاوت حرف «حاء» از «هَاء»

حرف «حاء»، در فارسی مانند حرف «هَاء» از انتهای حلق و از محل حنجره تلفظ می‌شود، اما در عربی، از «وسط حلق و با حالت گرفتگی» ادامی گردد. هنگام تلفظ «حاء»، «دریچه نای کمی به عقب کشیده شده و فضای حلق را تنگ می‌سازد و بدون ارتعاش تارهای صوتی، صدای حرف به صورت نازک و کم حجم با حالت گرفتگی به دیواره‌های حلق کشیده می‌شود».



## تمرین حرف «حاء»:

الرَّحْمَنِ - رَحْمَهُ - فَسَبِّحْ - فَلَاحْ - الْحَمْدُ - سُبْحَانَ  
 حَسَنَهُ - مُحَمَّدًا - الرَّحِيمِ - أَحَدٌ - نُسَبِّحُ - بِحَمْدِكَ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ  
 رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً  
 فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ - سُبْحَانَ اللَّهِ - الْحَمْدُ لِلَّهِ  
 نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ - أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

## « لزوم دقت در تلفظ هاء ساکن

قال الباقر عليه السلام: «إِذَا أَذَنْتَ فَأَفْصَحْ بِالْأَلِفِ وَالْهَاءِ»<sup>۱</sup>.

«وقتی اذان می‌گویی، الف و هاء را فصیح (آشکار و روشن) ادا کن».

مخرج «هاء»، «انتهای حلق و حالت مخفی بودن (خفاء) را دارد»، به‌ویژه وقتی که ساکن باشد، در این صورت «لازم است با فشار مختصری به انتهای حلق، حرف «هاء» را تقویت نمود تا شنیده شود»؛ مانند:

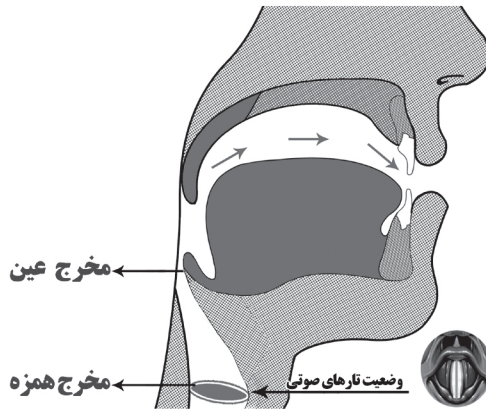
إِهْدِنَا - بِحَمْدِهِ - لِمَنْ حَمِدَهُ - رَسُولُهُ - لَا شَرِيكَ لَهُ - بَرَكَاتُهُ

و اگر بعد از الف مدّی، قرار گیرد، در تلفظ الف مدّی نیز باید دقت نمود؛ مانند:

إِلَّا اللَّهُ - رَسُولُ اللَّهِ - قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ - الْحَمْدُ لِلَّهِ - سُبْحَانَ اللَّهِ

<sup>۱</sup>. (وسائل، ۴، ۶۳۹)

## « تفاوت حرف «عین» از «همزه (ء)»



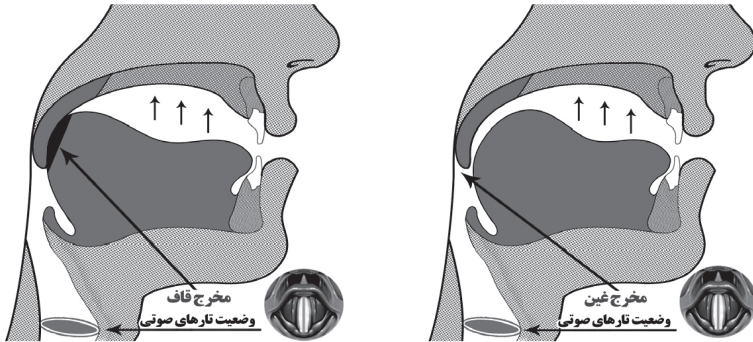
حرف «عین»، در فارسی مانند حرف «همزه (ء)» از انتهای حلق و از محل حنجره تلفظ می‌شود، اما در عربی، از «وسط حلق» ادامه می‌گردد، هنگام تلفظ «عین»، «دریچه‌نای به آرامی عقب کشیده شده و فضای حلق را تنگ می‌سازد و با ارتعاش تارهای صوتی، صدای حرف کمی نرم به صورت نازک و کم حجم به دیواره‌های حلق کشیده می‌شود».

### تمرین حرف «عین»:

نَعْبُدُ - اَعْلَى - لَا اَعْبُدُ - مَا تَعْبُدُونَ - عَلِيًّا - عَلَى  
 عَالَمِينَ - عِبَادُ - نَسْتَغِيثُ - اَقْعُدْ - عَلَيْهِمْ - عَبْدُهُ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ  
 اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَغِيثُ - حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ  
 اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ - لَا اَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ  
 اَشْهَدُ اَنَّ عَلِيًّا حُجَّتُهُ اللهُ - سُبْحَانَ رَبِّيَ الْاَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ



## « تفاوت حروف «غین» و «قاف»



حرف «غین»، در فارسی مانند حرف «قاف» از اتصال ریشه زبان با ابتدای زبان کوچک تلفظ می‌شود، اما در عربی، حرف «غین» از «ابتدای حلق»، (مرز میان حلق و دهان) ادامه می‌گردد؛ هنگام تلفظ «غین»، «ریشه زبان بالا رفته و به زبان کوچک نزدیک و با ارتعاش تارهای صوتی، صدای حرف به نرمی به ابتدای دیواره‌های حلق کشیده شده و به صورت درشت و پر حجم تولید می‌گردد».

### تمرین حرف «غین»:

اَسْتَغْفِرُ - اِغْفِرْ - لَا يُغْنِي - اَغْنِي - فَاغْفِرْ  
 لَا تُزِغْ - وَ اَسْتَغْفِرُهُ - فَاَرْغَبْ - غَاسِقٍ - مُغِيرَاتِ  
 اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ - اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ لِي  
 لَا يُسْمِنُ وَ لَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ - مَا اَغْنِي عَنْهُ مَالُهُ  
 رَبَّنَا ءَامِنًا فَاغْفِرْ لَنَا وَ اَرْحَمْنَا - رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا  
 فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اَسْتَغْفِرُهُ - اِلَى رَبِّكَ فَاَرْغَبْ

## « تفاوت واو عربی با فارسی

حروف «واو»، در فارسی از تماس دندان‌های بالا با لب پایین تلفظ می‌شود، اما در عربی بدون دخالت دندان‌ها، «لب‌ها به صورت گرد (مانند شکوفه، شبیه حالت صدای «او») در می‌آید و صدای حرف همراه با ارتعاش تارهای صوتی از میان لب‌ها به صورت نازک و کم‌حجم خارج می‌شود».



### تمرین حرف «واو»:

يَوْمٍ - بِحَوْلٍ - وَقُوَّتِهِ - هُوَ - وَلَمْ يَكُنْ - يُؤْسِسُ  
 كُفُّوا - وَحْدَهُ - وَلِيُّ اللَّهِ - وَالْحَمْدُ - وَالِدَيَّ - تَوَابِينَ  
 مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ - أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ  
 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ - وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَكُفُّوا أَحَدٌ  
 بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِي أَقُومُ وَأَقْعُدُ - وَحْدَهُ وَلَا شَرِيكَ لَهُ  
 سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

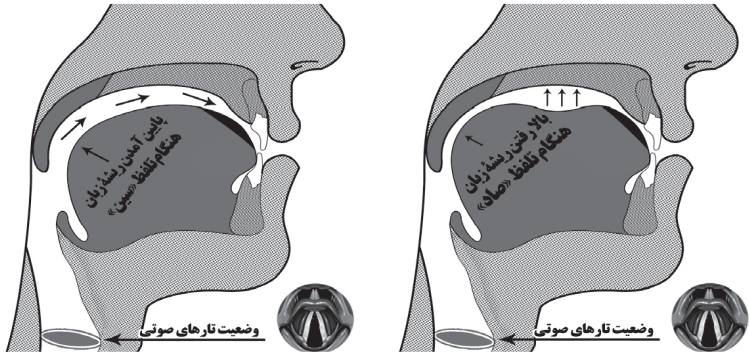


## « استفاده از نوار برای آموزش قرائت

بهترین راه برای آموزش و یادگیری قرائت صحیح، استفاده از نوارهای آموزشی قرائت قرآن کریم می باشد، برای این منظور، سوره کوتاهی را انتخاب و مراحل ذیل را به ترتیب انجام دهید.

۱. پخش آیات و گوش دادن همزمان با نگاه کردن به خط قرآن؛
۲. پخش دوباره همان آیات و خواندن همزمان با نوار با صدای آهسته؛
۳. پخش دوباره همان آیات و خواندن همزمان به صورت همخوانی با نوار؛
۴. همانند مرحله اول، به آیات پخش شده گوش می دهیم، در هنگام وقف، ایست نوار را می زنیم و مانند نوار می خوانیم، و سپس به این نحو ادامه می دهیم؛
۵. بر عکس مرحله چهارم، اول می خوانیم و سپس با نوار مقایسه می کنیم.

## « تفاوت حرف «صاد» از «سین» »



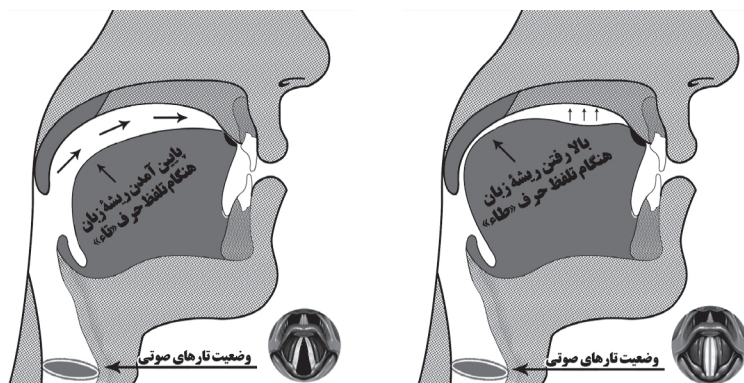
هنگام تلفظ دو حرف «صاد» و «سین»، بخش جلویی سطح زبان به سطح صاف پشت لثه ثنایای بالا نزدیک شده و با ساییش هوا از این شکاف و مجرای باریک و بدون ارتعاش تارهای صوتی تولید می‌شوند، با این تفاوت که در عربی، هنگام تلفظ «صاد»، «انتها و ریشه زبان نیز بالا آمده و صدای حرف به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت درشت و پر حجم ادا می‌گردد».

### تمرین حرف «صاد»

أَصْحَابِ - وَالْعَصْرِ - صَمَدٌ - الصَّلَوةُ - الصَّالِحَاتِ - أَصَابَ  
تَوَاصَوْا - بِالصَّبْرِ - صَلَّ - حُصِّلَ - فِي الصَّدُورِ - نَصُوحًا  
اللَّهُ الصَّمَدُ - حَتَّى عَلَى الصَّلَوةِ - قَدْ قَامَتِ الصَّلَوةُ  
لِلَّهِمْ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ - وَ حُصِّلَ مَا فِي الصَّدُورِ



## « تفاوت حرف «طاء» از «تاء»

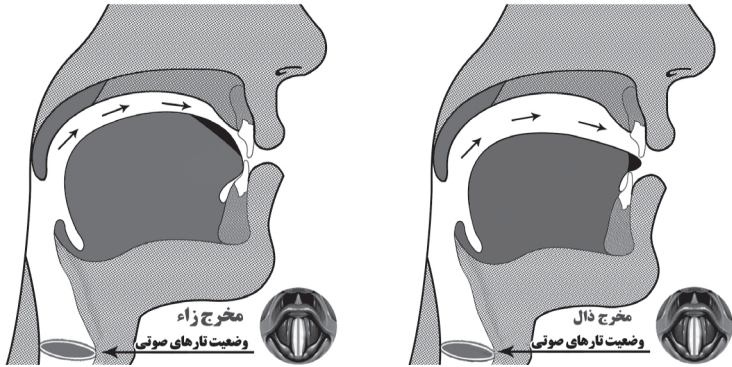


دو حرف «طاء» و «تاء» از اتصال بخش جلویی سطح زبان با ابتدای برآمدگی کام بالا و لثه دندان‌های ثنایا و جدا شدن از آن، به صورت انفجاری تولید می‌شوند، با این تفاوت که در عربی، هنگام تلفظ «طاء»، «انتها و ریشه زبان نیز بالا آمده و صدای حرف با ارتعاش تارهای صوتی به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت درشت و پر حجم تولید می‌گردد».

### تمرین حرف «طاء»

مَطْلَعٍ - يُطْعِمُونَ - الطَّعَامَ - حَطَبٍ - عَطَاءٌ - وَالطَّارِقُ  
 أَطَاعَ - مَنْ يُطِيعُ - أَطِيعُوا - صِرَاطَ - الْمُعْطِينَ - تَطْلُعُ  
 سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ - وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ  
 أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ - مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ  
 اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ - يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَ يَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ

## « تفاوت حرف «ذال» از «زاء»



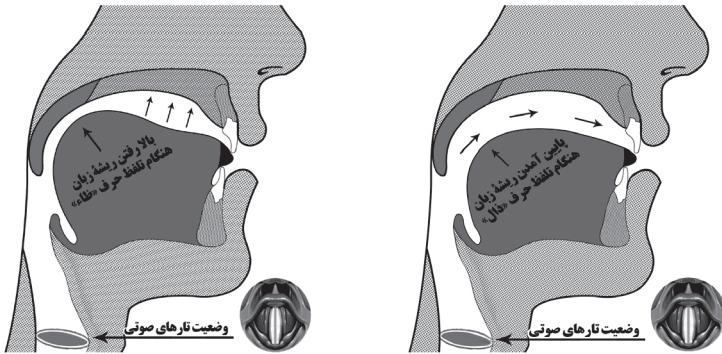
حرف «ذال»، در فارسی مانند حرف «زاء» از برخورد بخش مجاور نوک زبان به پشت لثه دندان‌های پایین تلفظ می‌شود، ولی در عربی حرف «ذال»، از «تماس سر زبان با سر دندان‌های ثنایای بالا و خروج هوا از میان آنها همراه با ارتعاش تارهای صوتی و با حالت سایشی، صدای حرف به طرف پایین کشیده شده و به صورت نازک و کم‌حجم تولید می‌گردد».

### تمرین حرف «ذال»

أَذْهَبَ - اذْكُرُوا - يُذْهِبَنَّ - ذَكَرَ - ذَلِكْ - ذَاكِرِينَ - عَذَابَ  
 ذِكْرِي - الَّذِي - الَّذِينَ - اَعُوذُ - يُكَذِّبُ - اَذَنْ - مُؤَذِّنٌ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ - اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ  
 اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ - اَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي  
 صِرَاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ - اَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ



## « تفاوت حرف «ظاء» از «زاء» »

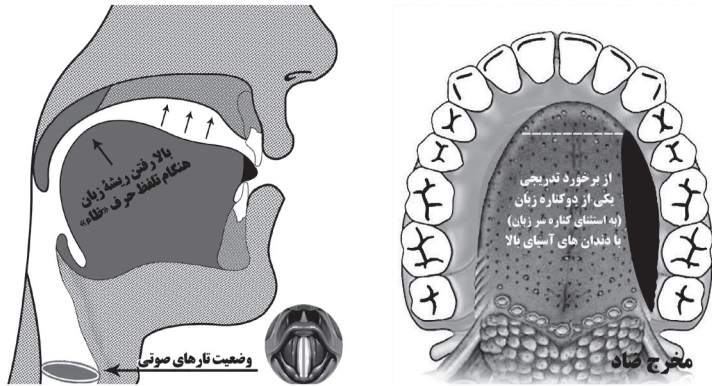


حرف «ظاء»، در فارسی مانند حرف «زاء» تلفظ می شود ولی در عربی همانند حرف «ذال» تلفظ می گردد با این تفاوت که در هنگام تلفظ «ظاء»، «انتها و ریشه زبان نیز بالا آمده و صدای حرف به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت درشت و پر حجم تولید می گردد».

### تمرین حرف «ظاء»

يَظْلِمُ - ظَلَمْتُ - لَا تُظْلِمُونَ - ظَهَرَكَ - ظَالِمِينَ - نَاطِرَةٌ  
عَظِيمٌ - لِحَافِظِينَ - حِفْظُهُمَا - مِنَ الظَّالِمِينَ - حَافِظُونَ - حَظٌّ  
وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا - سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ  
رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ  
لَا تُظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ - سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ  
وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ - وَلَا يُوَدُّهُوَ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

## « تفاوت حرف «ضاد» از «زاء» »



حرف «ضاد»، در فارسی مانند حرف «زاء» تلفظ می‌شود ولی در عربی «از بالا آمدن انتها و ریشه زبان و برخورد تدریجی یکی از دو کناره زبان (به استثنای سر زبان) با دندان های آسیای بالای همان طرف و کشیده شدن صدای حرف از میان آنها به طرف کام بالا به صورت درشت و پر حجم ادا می‌گردد».

**یادسپاری:** تلفظ ضاد به صورت دال درشت، تلفظ عرب صدر اسلام نمی‌باشد و باعث بطلان نماز می‌شود.

### ● تلفظ «ضاد» صحیح نزد فقه‌های شیعه

شهید اول (متوفای ۷۸۶ هـ) در «الفیه، ص ۵۸»: «تلفظ حرف از مخرج آن که به صورت متواتر نقل شده، واجب می‌داند و می‌فرماید: اگر «ضاد» از مخرج «طاء» و یا به صورت «لام درشت» تلفظ شود، نماز باطل است».

صاحب مفتاح الکرامه (متوفای ۱۲۲۶ هـ) در «قواعد التجوید، ص ۵۱» و صاحب جواهر (متوفای ۱۲۶۶ هـ) در «جواهر، ۹، ۳۹۹»، «ضاد صحیح را ضاد حجازی» می‌دانند که از: «بین کناره زبان و دندان های آسیا تلفظ می‌شود» و

تلفظ «ضاد مصری» که شبیه «دال درشت» است را «صحیح نمی دانند و باعث بطلان نماز می شود»؛ و برای صحت گفتار خود، چند دلیل آورده اند از جمله: «ضاد» اصعب الحروف است در حالی که «دال درشت» سختی ندارد.

### ● تلفظ «ضاد» صحیح نزد علمای تجوید

علم مخارج حروف، مانند علم نحو، استقرائی و برگرفته از تلفظ عرب صدر اسلام (قبل از اختلاط با اقوام غیر عرب) می باشد و همه تصریح کرده اند: «لضاد من بین أول حافه اللسان وما يليه من الأضراس» و حرف «ضاد» را، «أصعب الحروف»، دشوارترین حرف و تلفظ آن مشکل می دانند. و کم هستند افرادی که آن را نیکو تلفظ کنند، و تلفظ آن به صورت «دال درشت صحیح نمی باشد» و آن را تلفظ افرادی می دانند که اصالتاً عرب نمی باشند (و بر اثر غلبه قوم عرب بر آنها، عرب زبان شدند).

### تمرین حرف «ضاد»

فَضْلًا - رِضْوَانًا - وَضَعْنَا - وَ لَا الضَّالِّينَ - الضَّعِيفَ - مَغْضُوبٍ  
 رَضِيَ - رَضِيْتُ - مَرْضِيَّةً - رَاضِيَةً - بَعْضُكُمْ - رَضُوا - يَحْضُ  
 يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا - اِرْحَمْ عَبْدَكَ الضَّعِيفَ  
 غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ  
 وَ لَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ - وَ اللَّهُ فَضَّلَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ  
 اِرْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً - رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا

## ● تفاوت حرف «ضاد» از «ظاء»

با توجه به شباهت دو حرف «ضاد» و «ظاء» در تلفظ، و فتوای مراجع بزرگوار تقلید که «اگر «ضاد»، به صورت «ظاء»، یا برعکس تلفظ گردد، نماز باطل است»<sup>۱</sup>، باید دقت نمود تا هر حرف از مخرج خود ادا شود و از یکدیگر تمیز داده شوند.

«حرف ظاء»، «از برخورد سر زبان با سر دندان‌های ثنایای بالا تولید می‌شود» ولی «حرف ضاد»، «از برخورد تدریجی یکی از دو کناره زبان با دندان‌های آسیای همان طرف و کشیده شدن صدای حرف از میان آنها تولید می‌گردد» و سر زبان در تولید آن نقشی ندارد.

## تمرین حرف «ضاد» و «ظاء»

در هنگام تمرین دقت شود تا هر حرف از مخرج خود ادا گردد و از یکدیگر تمیز داده شوند.

« ضَلَّ - ظَلَّ » - « نَضَرَ - نَظَرَ »

أَنْقَضَ ظَهْرَكَ - ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ

مُغَاضِبًا فَظَنَ - ظَلَمْتُ مَا فِي الْأَرْضِ

بَعْضُ الظَّالِمِينَ - فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ

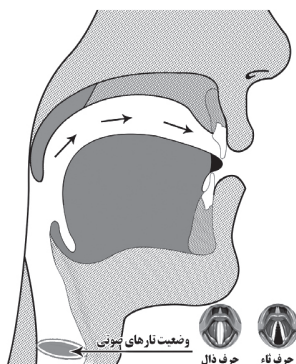
يَعِضُ الظَّالِمُ - لَا تَنْظُمًا فِيهَا وَلَا تَضْحَى

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَى رَبِّهَا نَاطِرَةٌ

<sup>۱</sup> عروه الوثقی، کتاب الصلاة، فصل فی القراءه، مسأله ۳۲ و ۳۷.



## « تفاوت حرف «ثاء» از «سین»



حرف «ثاء»، در فارسی مانند حرف «سین» تلفظ می شود ولی در عربی مانند حرف دال «از تماس سر زبان با سر دندان های ثنایای بالا و خروج هوا از میان آنها و با حالت سایشی، صدای حرف به طرف کام پایین کشیده شده و به صورت نازک و کم حجم تولید می گردد»، با این تفاوت که در تلفظ حرف «ثاء» برخلاف حرف دال، «تارهای صوتی مرتعش نمی شود».

### تمرین حرف «ثاء»

مَثْنَى - مِثْقَالَ - اَثْقَالُهَا - كَوْثَرٌ - ثَقُلْتُ - ثَلَاثَةٌ - ثَالِثُ  
 ثِيَابِكَ - بُعِثِرَ - كَثِيرًا - التَّكَاثُرُ - الثَّاقِبُ - ثَلَاثٌ - مُدَّثِرُ  
 اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ - اِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ  
 ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ - وَثِيَابَكَ فَطَهَّرْ - اِذَا بُعِثَرَا مَا فِي الْقُبُورِ  
 اَلْهَكُمُ التَّكَاثُرُ - النَّجْمُ الثَّاقِبُ - مَثْنَى وَ ثَلَاثٌ

## « صفت قلقله

در تلفظ پنج حرف «قطب جد» در هنگام ساکن بودن باید دقت نمود که صدای حرف حتماً شنیده شود، برای این منظور، «پس از تلفظ حرف، باید صدای آن را آزاد و آشکار نمود» که به این حالت، «قلقله» می گویند؛ مانند:

أَبْتَرُ - أَذْرَكَ - فَوْسَطُنَ - يَجْعَلُ - اقْرَأْ

در قلقله آخر کلمات (هنگام وقف) باید دقت بیشتری نمود؛ مانند:

كَسَبَ - أَحَدٌ - مُحِيطٌ - بُرُوجٌ - مَا خَلَقَ

وَتَبَّ - أَشَدَّ - لَا تُشْطِطُ - فِي الْحَجِّ - بِالْحَقِّ

نکته: در هنگام قلقله، حرف هیچگونه حرکتی به خود نمی گیرد و صدای حرف به صورت ساکن رها می شود.



## « مدّ فرعی و عارضی

«مدّ» در لغت: «زیادت، افزونی و کشش»؛ و در اصطلاح قرائت:

«کشش صوت بیش از مقدار طبیعی در حروف مدّی».

«حروف مدّی» به طور طبیعی باعث دو برابر مدّ و کشش صدای حرکات

می شوند، از این رو به آنها «مدّ طبیعی، ذاتی و اصلی» گفته می شود.

هرگاه «بعد از حروف مدّی، سبب مدّ (همزه یا سکون) بیاید». در این صورت

«حروف مدّی بیش از مقدار طبیعی کشیده می شوند»، از این رو به آنها «مدّ

غیرطبیعی، عارضی و فرعی» گفته می شود.

«مدّ فرعی»، تقسیماتی دارد که به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

### ● مدّ فرعی در روایات اسلامی

۱- ثقه الاسلام محمد بن یعقوب کلینی از امام صادق علیه السلام نقل می کند: آن

حضرت (به مناسبتی) در تلاوت سوره حمد، وقتی به **وَلَا الضَّالِّينَ** رسیدند،

فرمودند: «مَدَّ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَوْتَهُ وَلَا الضَّالِّينَ»؛ یعنی:

«رسول خدا، الف مدّی **وَلَا الضَّالِّينَ** را با مدّ و کشش بیشتری می خواندند»<sup>۱</sup>.

۲- ابن الجزری از ابی مسعود در قرائت آیه **إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ** از

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت «الف مدّی **لِلْفُقَرَاءِ** را به مدّ

خوانده است، پس شما هم آن را مدّ بدهید»<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> فروع کافی، ج ۶، ص ۲۲۳.

<sup>۲</sup> النشر فی القراءات العشر، ج ۱، ص ۳۱۵.

## • مدّ فرعی در فتوای مراجع تقلید

فتوای مراجع تقلید در رابطه با مدّ فرعی، مختلف و به شرح ذیل می باشد:<sup>۱</sup>

۱- بهتر آن است که با مدّ خوانده شود؛

۲- «مدّ متصل و لازم» واجب است؛

۳- «مدّ متصل»، احتیاط مستحب و «مدّ لازم» واجب است؛

۴- «مدّ متصل و لازم» باید مدّ داده شوند و اگر مدّ ندهند، احتیاطاً نماز را تمام کنند و دوباره بخوانند.

هر کس باید به فتوای مرجع تقلید خود (در مسأله قرائت نماز) مراجعه کند.

علت مدّ را اضافه بر روایات، علمای ادبیات عرب و تجوید: سهولت تلفظ در همزه و رفع التقای ساکنین در حرف ساکن بیان کرده اند.

## • مدّ متّصل یا مدّ واجب

**مدّ متّصل:** حرف مدّ و همزه در یک کلمه می باشد؛ مانند:

يَشَاءُ - سَيِّئٌ - سُوءٌ - مَلَأَكَهَ - تَفِيءٌ - تَشَاءُونَ

**مقدار کشش:** ۴ یا ۵ (و در هنگام وقف) ۶ حرکت می باشد.

به مدّ متّصل، «مدّ واجب» نیز می گویند، چون همه علمای قرائت و تجوید، در مدّ و کشش اضافی آن، اتفاق نظر دارند.

## یادسپاری:

• مراد از واجب، «وجوب صناعی» می باشد؛ یعنی: نزد علمای فَنّ تجوید، واجب است، اما «وجوب شرعی» را باید به فتوای مرجع تقلید، مراجعه کرد.

<sup>۱</sup> توضیح المسائل مطابق با فتوای سیزده نفر از مراجع تقلید، مسأله ۱۰۰۳.

### • مدّ منفصل یا مدّ جایز

**مدّ منفصل:** حرف مدّ در آخر کلمه و همزه در ابتدای کلمه بعدی می باشد؛ مانند:

رَبَّنَا إِنَّكَ - وَرُسُلِي إِنَّ - قَالُوا إِنَّ - إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ - فِي أَهْلِ - قُوا أَنْفُسَكُمْ  
مقدار کشش: ۲ (همان مدّ طبیعی) تا ۵ حرکت می باشد.

به مدّ منفصل، «مدّ جایز» نیز می گویند، چون همه علمای قرائت و تجوید، در مدّ و کشش اضافی آن، اتفاق نظر ندارند.

### یادسپاری:

- «مدّ منفصل» تنها در «حالت وصلی» می باشد، و در حالت وقفی «مدّ طبیعی» خواهد بود؛ مانند: رَبَّنَا \* إِنَّكَ

## « مَدّ سکون لازم و عارض

«مَدّ سکون لازم»: بعد از حروف مدّی، حرف ساکن ثابت باشد؛ مانند: **ءَآلَانْ**، و گاهی حرف ساکن در حرف بعدی ادغام می شود و به صورت حرف مشدّد خوانده می شود؛ مانند: **وَلَا الضَّالِّينَ**.

«مَدّ سکون لازم» نهمه علمای قرائت و تجوید لازم است (۶ حرکت).

«مَدّ سکون عارض»: بعد از حروف مدّی، حرف ساکن بر اثر وقف، عارض شود؛ مانند: **تُكَذِّبَانِ = تُكْذِبَانِ؛ نَسْتَعِينُ = نَسْتَعِينُ، تَعْلَمُونَ = تَعْلَمُونَ**. «مَدّ سکون عارض» جایز است و قاری مختار است تا ۶ حرکت مدّ دهد.

## « مدّ لین

مدّ لین به جای «حروف مدّی»، «حروف لینه»، (ـَوْـ َیْ) آمده باشد و سبب آن «سکون» می باشد؛ و بر دو قسم است:

سبب، سکون لازم: مانند: «عَيْنُ» در کهیص - حم عسق

مقدار کشش: ۴ و ۶ حرکت می باشد ولی ۶ حرکت رجحان دارد.

سبب، سکون عارض: مانند: قُرَيْشٍ ← قُرَيْشٍ؛ خَوْفٍ ← خَوْفٍ

مقدار کشش: ۲، ۴ و ۶ حرکت می باشد.

### یادسپاری:

- در هنگام وقف، مدّ لین عارضی نباید از مدّ سکون عارضی، بیشتر باشد، ولی کمتر از آن می تواند باشد.

## « اهمیت وقف وابتدا

وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا  
قال علیؑ: «الترتیل حفظ الوقوف و بیان الحروف».

یکی از مباحث «علم قرائت»، مبحث «وقف وابتدا» است که در رابطه با موارد «وقف وابتدا و نحوه وقف نمودن بر آخر کلمات» بحث می کند و در اهمیت آن، همین بس که امیرمؤمنان حضرت علی بن ابی طالبؑ آن را نیمی از ترتیل قلمداد فرمودند و علمای قرائت بر این باورند که «هر کس موارد وقف را شناسد قرآن خواندن را نمی داند» و مراجع بزرگوار تقلید، احتیاط فرمودند که در نماز «وقف به حرکت و وصل به سکون نشود» که به بررسی آنها می پردازیم.

## « وقف وابتدا

«مطالب وقف وابتدا»، شامل دو مبحث کلی است.

۱- انتخاب محل مناسب برای وقف وابتدا؛

۲- نحوه وقف نمودن بر آخر کلمات و آغاز نمودن از ابتدای کلمات.

لازمه «انتخاب محل مناسب برای وقف وابتدا» آشنایی با معانی آیات می باشد، و علمای قرائت، رموزی را برای محل مناسب وضع نموده اند که به «رموز سجاوندی» مشهور است، و در صفحه آخر بر خی قرآن ها آمده است. در قرائت قرآن، وقف بر مُتحرّک جایز نیست و در صورت متحرّک بودن تغییراتی در آخر کلمات به وجود می آید که مهمترین آنها «وقف اسکان و ابدال» می باشد.

## « وقف اسکان

«اسکان»، یعنی: «ساکن کردن»؛ اگر آخر کلمه، متحرّک و یا تنوین کسره و ضمه (ـــــ) باشد، هنگام وقف، «ساکن» می گردد؛ مانند:

رَبِّ الْعَالَمِينَ ← رَبِّ الْعَالَمِينَ - الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ← الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ← إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ - ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ← ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ  
وَحُورٍ عِينٍ ← وَحُورٍ عِينٍ

### یادسپاری:

- اگر آخر کلمه، ساکن و یا حروف مدّی باشد، تغییری در آن داده نمی شود؛ مانند: قُمْ فَأَنْذِرْ - فَأَنْطَلِقَا - وَادْخُلِي جَنَّتِي - وَ لَا تُسْرِفُوا

## « وقف ابدال

«ابدال»، یعنی «تبدیل کردن»؛ اگر آخر کلمه، تایی گرد «ة، ة» باشد، هنگام وقف تبدیل به های ساکن «ه-ه» می شود، مانند:

الصَّلَاةُ ← الصَّلَاةُ - الْبَرِيَّةُ ← الْبَرِيَّةُ - الْوَاقِعَةُ ← الْوَاقِعَةُ  
مُطَهَّرَةٌ ← مُطَهَّرَةٌ - مَرْفُوعَةٌ ← مَرْفُوعَةٌ - وَاحِدَةٌ ← وَاحِدَةٌ  
و همچنین اگر آخر کلمه تنوین فتحه (ـَ) باشد، هنگام وقف، تنوین حذف و «تبدیل به الف مدی (ـِا)» می شود؛ مانند:

أَعْنَابًا ← أَعْنَابَا - هُدًى ← هُدًى - عِشَاءً ← عِشَاءَا

## « وقف به حرکت و وصل به سکون

همه مراجع بزرگوار تقلید، احتیاط فرمودند که در قرائت نماز، «وقف به حرکت و وصل به سکون» انجام نگیرد.

در هنگام وقف دو کار همزمان باید انجام گیرد.

- ۱- قطع صوت و فاصله انداختن بین دو کلمه (تا وقف تحقق پیدا کند)؛
  - ۲- ساکن کردن حرف آخر کلمه (چرا که وقف بر متحرک جایز نمی باشد).
- اگر وقف بشود ولی حرف آخر کلمه ساکن نگرده؛ می شود «وقف بر متحرک» و اگر حرف آخر کلمه ساکن شود ولی وقفی صورت نگیرد، می شود «وصل به سکون»، و هر دو در قرائت قرآن جایز نمی باشند.

## « خلط و مزج

در قرائت قرآن، باید دقت شود که کلمات شمرده و پشت سر هم خوانده شوند و بین اجزای یک کلمه، مکشی صورت نگیرد تا آن کلمه، تبدیل به دو کلمه جدا از هم گردد، مانند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَإِيَّاكَ نَعْبُدُ به صورت «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «إِيَّا، كَنَعْبُدُ» خوانده نشود که در علم قرائت به آن «خلط و مزج» می گویند و باعث نامفهوم شدن و یا تغییر معنای آیات می گردد. بعضی گفته اند که برای پرهیز از این کار باید روی دال «الْحَمْدُ» و کاف «إِيَّاكَ» مکث شود که صحیح نمی باشد.

در زبان فارسی نیز چنین است؛ مانند «به عزم توبه سحر گفتم استخاره کنم»؛ اگر وسط کلمه «توبه» مکث کنیم، خوانده می شود: «به عزم تو، به سحر گفتم استخاره کنم».

## « وقف بر آخر آیات، سنت نبوی

«وقف بر آخر آیات، سنت نبوی و سیره مسلمانان است».

ام السَّلمه، همسر گرامی پیامبر اسلام ﷺ نقل می کند که آن حضرت وقتی قرآن می خواند، آیه آیه قرائتش را قطع (وقف) می کرد.

«كَانَ إِذَا قَرَأَ، قَطَعَ قِرَاءَتَهُ آيَةً آيَةً»<sup>۱</sup>

و در اذان و اقامه نیز تأکید شده که بر آخر هر قسمت، وقف و ساکن گردد.

قال الصادق عليه السلام: «الْأَذَانُ وَالْإِقَامَةُ مَجْزُومَانِ» و فی حدیث آخر: «مَوْقُوفَانِ»<sup>۲</sup>

## یادسپاری:

- در رساله های عملیه مراجع بزرگوار تقلید نیز، «وقف بر آخر آیات و بر آخر هر قسمت از اذان و اقامه، جزء مستحبات نماز» شمرده شده است.

<sup>۱</sup> النشر ۱/ ۲۲۶

<sup>۲</sup> وسائل الشیعه، ۴، ۶۳۹، ح ۴ و ۵.

## « مُحَسِّنَات قِرَاءَتِ

مباحثی که تا به حال مورد بررسی قرار دادیم در رابطه با تلفظ صحیح حروف، کلمات و آیات قرآن کریم و وقف نمودن بر آخر کلمات و آیات بود که بر همه لازم است در قرائت قرآن رعایت کنند و جزء «ترتیل واجب» می باشد.

مباحث دیگر، تجویدی است که رعایت آنها، باعث روان و نیکو خواندن قرآن می شود که به آنها «صفات عارضی و مُحَسِّنَه» می گویند، و فقهای بزرگوار تقلید آن را جزء «مُحَسِّنَات قِرَاءَتِ» شمرده اند و جزء «ترتیل مستحب» می باشد که به بررسی آنها می پردازیم.

## « صفت لین

دو حرف واو و یای ساکن ماقبل مفتوح «و، وائی» دارای «صفت لین» می باشند که باید به صورت «نرم و آسان از مخرج شان تلفظ می شوند». در تلفظ این دو حرف، باید دقت نمود که نخست فتحه قبل از واو و یاء متمایل به ضمه و کسره نشود «یوم = یوم» و «خیر = خیر» خوانده نشوند و واو و یای ساکن نیز به آرامی و روان خوانده شوند؛ مانند:

يَوْمَ - كُوْثِرٌ - تَوَاصَوْا - سَوْفَ - تَوْبَهُ - وَيْلٌ  
غَيْرَ - عَلَيْهِمْ - شَيْطَانٌ - لَيْسَ - اَعْطَيْنَاكَ - اَرَايْتَ

## « صفت غُنه

«فضای بینی» را «خیشوم» و «صدایی که از آن خارج می شود را غُنه» می گویند. «غُنه» جزء جدایی ناپذیر «دو حرف نون و میم»، (ساکن باشند یا متحرک) می باشد. اما در مواردی این دو حرف، دارای «غُنه فرعی و عارضی» بوده و به میزان دو حرکت، صدا از فضای بینی خارج می شود؛ کامل ترین حالت «غُنه» در صورت «مشدد» بودن این دو حرف می باشد؛ مانند:

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ - مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ - ثُمَّ لَتَرَوْنَهَا

بعضی افراد به جای «غُنه فرعی نون و میم»، صدای کوتاه نون و میم و یا حرف قبل از آنها را می کشند و به این صورت می خوانند: «صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» که صحیح نمی باشد.

## « ادغام

ادغام «تلفظ دو حرف ساکن و متحرک است از یک مخرج، بطوری که در تلفظ آنها فاصله نیفتد»؛ و بر دو قسم است:

۱- **ادغام صغیر**: «حرف مدغم، ساکن و مدغم فیه متحرک»؛ مانند:

ثُمَّ مَ ← ثُمَّ ؛ قُلْ لَهُمْ ← قُلَّهُمْ

۲- **ادغام کبیر**: «حرف مدغم متحرک، نخست ساکن شده (تازمینه ادغام به وجود آید) و سپس ادغام می شود»؛ مانند:

مَدَدَ ← مَدَدٌ ← مَدَّ ؛ قَالَ لَهُمْ ← قَالَ لَهُمْ ← قَالَ لَهُمْ

**حکم شرعی ادغام**: ادغام در یک کلمه واجب است ولی در دو کلمه بر ادغام صغیر تأکید شده ولی ادغام کبیر جایز نمی باشد.<sup>۱</sup>

## « احکام نون ساکن و تنوین

رعایت «احکام نون ساکن و تنوین»، جزء «مَحَسِّنَاتِ قِرَاءَتِ» می باشد، ولی بعضی از مراجع بزرگوار تقلید، «ادغام در یرملون» را، «احتیاطاً لازم» دانسته اند.

«نون ساکن و تنوین» در مجاورت «بیست و هشت حرف»، «چهار حکم» دارد:

۱- **اظہار**: «نُ + حروف حلقی»؛ (أ، هـ، ع، ح، غ، خ)؛

۲- **ادغام**: «نُ + یرملون»؛ ادغام  
 باغنه: (ی، م، و، ن)  
 بدون غنه: (ل، ر)

۳- **قلب به میم**: «نُ + ب = م اخفای باغنه»؛

۴- **اخفاء**: «نُ + مابقی حروف = اخفای باغنه».

<sup>۱</sup> عروه الوثقی، فی احکام القراءه، مسأله ۴۹ و ۵۲

## • اظهار

«نون ساکن و تنوین» نزد «حروف حلقی»، «اظهار» می شود؛

«نون ساکن» به صورت آشکار و بدون تغییر خوانده می شود؛ مانند:

- أ — يَنْأَوْنَ — مِنْ أَحَدٍ — أَسْبَاطًا أُمَمًا — مُعْتَدٍ أَثِيمٍ — رَسُولٌ أَمِينٌ  
ه — مِنْهُمْ — إِنَّ هُوَ — فَرِيقًا هَدَى — لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ — أَفْسَحَرُ هَذَا  
ع — أَنْعَمْتَ — مِنْ عِلْمٍ — قُرْءَانًا عَجَبًا — فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ — سَمِيعٌ عَلِيمٌ  
ح — وَانْحَرْ — مِنْ حَكِيمٍ — عَلِيمًا حَكِيمًا — أَوَّابٍ حَفِيزٍ — حَمِيمٌ حَمِيمًا  
غ — فَسَيُنْغِضُونَ — يَكُنْ غَنِيًّا — لَأَجْرًا غَيْرَ — مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ — مَلَائِكَةً غِلَظَ  
خ — وَالْمُنْحَنِقَةَ — مِنْ خَيْرٍ — عَلِيمًا خَبِيرًا — نَخْلٍ خَاوِيَةٍ — قَوْمٌ خَصِمُونَ

## ● ادغام

«نون ساکن و تنوین» در «یرملون»، «ادغام» می‌شود، و بر دو قسم است:

بدون غُنه } رَ مِنْ رَّحِمَ - بَشْرًا رَّسُولًا - فِی عِشَهِ رَّاضِیَهِ - غَفُورٌ رَّحِیمٌ  
لِ مِنْ لَدُنْ - رِزْقًا لَّكُمْ - دَرَجَاتٍ لِّیَبْلُوكُمْ - فَوَيْلٌ لِلَّذِینَ

باغُنه } نَ اِنْ نَّشَأْ - وَاحِدًا تَتَّبِعُهُ - اِلٰی شَیْءٍ نُّكْرٍ - حِطَّةً نَّغْفِرُ  
مَ مِنْ مَّعٰی - فَتَحًا مُّبِینًا - بِسُلْطٰنٍ مُّبِینٍ - قَوْمٌ مُّكْرُوْنَ  
وَ مِنْ وَلِیٍّ - اُمُّهُ وَاحِدَةً - بِعَذَابٍ وَّاقِعٍ - اُذُنٌ وَّاعِیَهِ  
یَ مَنْ یَّقُولُ - سَاقِطًا یَّقُولُوا - لِقَوْمٍ یُّؤْمِنُوْنَ - وَجُوهٌ یُّؤْمِنُ

## ● قلب به میم

«نون ساکن و تنوین» نزد حرف «باء»، «قلب به میم» و به صورت «میم اخفایی» و باغُنه خوانده می‌شود.

«اخفا»: «حالتی است بین اظهار و ادغام همراه باغُنه».

هنگام اخفای میم، لب‌ها به مخرج باء، نزدیک و صدای «غُنه میم» به اندازه دو حرکت «از فضای بینی خارج می‌شود و سپس حرف باء ادا می‌گردد؛ مانند:

اَنْ بَیَّاءَ - مِنْ بَعْدِ - بَصِیرٍ بِمَا - سَمِیعًا بَصِیرًا - جَنَّةً بِرَبْوَةٍ  
اَنْبِئْهُمْ - مَنْ بَعَثْنَا - عَلَیْهِمْ بِذَاتِ - جَزَاءٍ بِمَا - كِرَامًا بَرَرَهُ

## ● اخفاء

«نون ساکن و تنوین»، نزد «پانزده حرف» (باقیمانده)، «اخفاء» می‌شود و «با غُنه» همراه است.

هنگام اخفاء، تنها قسمت خیشومی نون، به اندازه دو حرکت در فضای بینی نگه داشته می‌شود و همزمان، زبان به طرف حرف بعدی نزدیک شده و سپس حرف بعدی تلفظ می‌گردد؛ مانند:

إِنْ تَحْمِلْ - خَيْرٌ ثَوَابًا - إِنْ جَعَلَ - رُكْنٍ شَدِيدٍ - مِنْ ذَهَبٍ  
نَفْسًا زَكِيَّةً - أَنْ سَيَكُونُ - كَأْسًا دِهَاقًا - وَلَمْ يَصْبِرْ

## « احکام میم ساکن

۱- «میم ساکن» در حرف «میم متحرک» بعد از خود «ادغام باغنه» می شود،

صدای میم مشدد به اندازه دو حرکت در فضای بینی امتداد می یابد؛ مانند:

كَمْ مِنْ كَمِّنْ هُمْ مِنْهَا هُمْنَهَا لَهُمْ مَا لَهُمَا

۲- «میم ساکن» در مجاورت حرف «باء»، «اخفاء باغنه» می شود؛ مانند:

رَبَّهُمْ بِهِمْ - أَنْتُمْ بِهِ - عَلَيْكُمْ بِوَكِيل - بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ

۳- «میم ساکن» در مجاورت «بیست و شش حرف» باقیمانده، «اظهار»

می گردد؛ مانند:

إِنَّهُمْ كَانُوا - تُمْسُونَ - لَكُمْ فِيهَا - أَمْوَالُهُمْ

## « استعاذه (پناه بردن به خداوند)

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

«هنگامی که قرآن می خوانید از شر شیطان رانده شده به خدا پناه ببر»

«استعاذه» به معنای: «پناه بردن» است و مراد از آن گفتن جمله «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» می باشد.

فقهایی بزرگوار، گفتن «استعاذه» را (پیش از قرائت قرآن و قبل از سوره حمد در رکعت اول) «مستحب می دانند» و در رابطه با نحوه گفتن «استعاذه» جملات «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» نقل نموده اند.

## « ذکرهای تلاوت<sup>۱</sup> »

در روایات سفارش شده که بعد از خواندن بعضی از سوره‌ها، اذکاری متناسب با مضمون همان سوره گفته شود؛ از همین رو مراجع بزرگوار تقلید، گفتن<sup>۲</sup> آنها را جزء «مستحبات قرائت» در نماز شمرده‌اند، از جمله «بعد از سوره حمد»، گفتن «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و «بعد از سوره توحید» گفتن «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي». و چون امام جماعت است بگوید: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبَّنَا».

برای اطلاع بیشتر، به کتاب «آداب و احکام تلاوت قرآن کریم به ضمیمه ذکرهای تلاوت» نوشته مؤلف، مراجعه فرمائید.

<sup>۱</sup> عروه الوثقی، مستحبات قرائت

<sup>۲</sup> عروه الوثقی، مستحبات قرائت

## « حق نماز از زبان امام سجاد علیه السلام »

«حق نماز» بر تو این است که بدانی: «با آن به مهمانی خداوند می‌روی و در پیشگاه او می‌ایستی، و چون این را دانستی، سزاوار است که به نماز بایستی مانند بنده‌ای خوار، رغبت کننده، ترسان، امیدوار، بی‌چیز، زاری کننده و بزرگ دارنده کردار؛ کسی که با آرامش و وقار و زیبایی در گفتار و تقاضای آزادی از آتش نسبت به لغزش‌ها و گناهانی که باعث نابودی تو می‌شود؛ (نماز را به جان و دل بپاداری و حدود و حقوق آن را رعایت نمایی و به یاد داشته باشی که) هیچ نیرویی جزء نیروی خداوند وجود ندارد».

## « نکته پایانی

با توجه به این که «قرائت حمد و سوره و سایر اجزای نماز باید به صورت عربی صحیح ادا شوند»؛ و انتظاری که جامعه از طلاب علوم دینی (در بیان احکام) دارند؛ به عنوان یک طلبه، شرعاً وظیفه خود دانستم تا در رابطه با «قرائت صحیح قرآن و نماز» مطالبی را بنویسم.

برای سهولت امر، مباحثی که علمای تجوید برای «ترتیل قرآن کریم» بیان فرموده‌اند، طبق فتوای مراجع بزرگوار تقلید به دو قسم «ترتیل واجب و مستحب» دسته‌بندی نمودم، ان شاء الله مورد استفاده همگان قرار گیرد؛ لازم به توضیح است که رعایت همه قواعد تجوید، نزد علمای قرائت لازم می‌باشد، اما از نظر حکم شرعی بعضی واجب و بعضی دیگر مستحب است.

## « شکرانه

خداوند را شاكرم كه به اين بنده ناچيز، توفيق داد تا در زمره مبلغين احكام دين  
مُبين اسلام قرار گيرم و چند صفحه در رابطه با آموزش صحيح نماز به يادگار  
بگذارم، اميدوارم به فضل و كرمش پذيرد و ذخيره آخرتم قرار دهد.

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

از همه عزيزاني كه از اين نوشته، استفاده مي كنند، التماس دعا دارم و اگر  
نقيصه‌ايديد، تذكر دهند تا در چاپ‌هاي بعدي اصلاح گردد.

براي استفاده از اين نوشته، به سايت [www.habibitajvid.ir](http://www.habibitajvid.ir) و يا به سايت انديشوران  
حوزه علميه قم - قسمت علوم قرآني - علي حبيبي - احمدآبادي مراجعه  
فرماييد.

۲۱ رمضان المبارک ۱۴۳۶ - مصادف با سالروز شهادت اولين شهيد محراب، امير مؤمنان

علي بن ابی طالب (علیه السلام)

(۱۷ تيرماه ۱۳۹۴)







